

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۵ جولای ۲۰۱۵

مجلس چهل وسوم (در خصوص نفس اماره)

بامداد روزیکشنبه یازدهم رجب سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ عبدالقادر گیلانی (رضی الله تعالی عنه) در مدرسه فرمود: (یاغلام) اگر خواهان رستگاری هستی رضای خدای را بر رضای نفس خود ترجیح ده، بانفس مخالفت کن و خدای را اطاعت و بندگی نما.

نفس در شناخت خلق حجاب است، و در معرفت خالق، خلق حجاب است، تازمانیکه در قید نفسی خلق رانمی شناسی، و تا وقتیکه با خلق باشی از شناخت خداوند محرومی. تا وقتیکه در بند دنیائی از شناخت آخرت ناتوانی، و تازمانی که دلبسته آخرت باشی، به لقاء الله نایل نمی شوی، زیرا خداوند مالک آخرت است و حب مال و مملوک یکجا جمع نمی گردد، همانگونه که دنیا و آخرت با هم دیگر جمع نمی شوند، همچنین مهر خالق و مخلوق در مکانی واحد گرد نمی آیند.

بدان که نفس به ارتکاب اعمال سوء دستور می دهد، و این خاصیت ذاتی و جبلی اوست. بآن ستیزه کن، تازمانی که به آنچه قلب بدان فرمان می دهد گردن نهد. خدای عزوجل فرموده است: «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» - (از اعمال نیک و بد به او خیر داده میشود. سوره الشمس آیه ۸). با مجاهدت و کوشش میتوان قلب، و پس از آن به اطمینان باطن و قرب حق دست خواهد یافت، که مورد خطاب الهی قرار می گیرد که: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» این خطاب از جانب خدایمانی بسوی او می آید که بکلی از آلودگیها و پلشتیها پاک و منزه شده باشد، و به ذکر و یاد حق خو گرفته باشد، زیرا چنانچه این حالت برایش حاصل نشد، انتظار قرب حق را نباید داشته باشد. آلوده چگونه میتواند به مقام قدس قرب برسد. پس از آرزوهای کم کن، تا اطاعتت نمایند. باین رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) و آرا اندرزیده که فرموده است: «إِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تَفْحَدْتُ بِالْمَسَاءِ وَإِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تُحَدِّثُ نَفْسَكَ بِالصَّبَاحِ، فَإِنَّكَ لَا تُدْرِي مَا أَسْمَكَ عَدَا» (هرگاه شب رابه روز آوردی از شب چیزی مگو، و هنگامی که روز رابه شب رساندی، از روز مگو، چون نمیدانی فردا سمت چیست، از وضعیت فردا بیت ناگاهی).

تو بر نفس خود از هر کس دیگری مهربانتری، اما بد توجه نکرده و مهملش گذاشته ای. چگونه انتظار داری که دیگری از او محافظت کند؟ قدرت حرص و آرزوهای دور دراز ترابری توجهی به نفس و ادا کرده است. در تقلیل حرص و آرزوهای نفسانی کوشش کن، و خود را به ذکر یاد حق و فکر مرگ مشغول دار.

بیماری نفس ربا گفتار و نصایح صالحین درمان نما، و از کدورت و آلودگیها پاکش گردان. به او بگو: آنچه از نیک و بد بدست آوری، به سود و زیان خودت می باشد، کسی در انجام اعمالت مسوول نیست. و از اعمال دیگران چیزی نصیب تو نمی شود، پس باید خود مجاهدت نمائی. دوست تو کسی است که ترا از ارتکاب گناه باز دارد، و دشمن تو کسی است که ترا همراه کند.

ترامی بینم که به خلق دلیسته ای، و خدارا فراموش کرده ای، حق نفس و خلق را ادامی کنی، اما از حق خالق غافل، در برابر عطای دیگران شکر گزاری، ولی نمیدانی آنچه که از سوی دیگران بتو میرسد، از جانب خداست، و از شکرش سربازمی زنی. اگر میدانی خداوند ترا آفریده است، پس چرا او را عبادت نمی کنی، و در انجام او امرش سعی نمی نمائی، و بر مقدراتش صبر نداری؟ بانفس مجاهدت کن تا هدایت شود. خداوند متعال فرموده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» - (هرکس برای مامجاهدت کند، راههای هدیت خود را بدو می نمائیم. سوره عنکبوت آیه ۶۹). و باز فرموده است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» - (اگر خدا را یاری کردید، شمارا کمک خواهد کرد و پایدارتان میدارد. سوره محمد آیه ۷).

نفس را اطاعت مکن برویش مخند، و ارجواب مده، در برابر هزار کلمه درخواستش به یک کلمه قناعت کن، تا پاک گردد و بمقام اطمینان رسد. هرگاه از تو درخواست لذایذ و ارضای شهوات نمود، باتفره و تأخیر با او روبرو شو. او را وعده قیامت و جنت ده، او را بصیر در مقابل سختیها عادت بده، چون هرگاه خود صبر کردی - در واقع - او را بصبر و ادا نموده ای، و خداوند نیز شمارا همراهی می کند، چنانکه خود فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» در هیچ موردی گفتارش را مپذیر، زیرا او همواره به بدی امر می کند. همیشه با او مخالف باش، چون خیر و صلاح در خلاف او است.

ای کسیکه ادعای خدا دوستی داری، تو تابع نفسی، در ادعایت صادق نیستی، نفس و حق با هم جمع نمی شوند، دنیا و آخرت با هم جمع نمی گردند. هرکس در جوار نفس بود و به فرمان او، قرب حق را از دست داده است. هرکس در کنار دنیا بود، آخرت را ضایع گردانیده است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضَرَ بِأَخْرَجَتِهِ، وَمَنْ أَحَبَّ أَخْرَجَتَهُ أَضَرَ بِدُنْيَاهُ» - (هرکس مهر دنیا در ادر دل داشت، به آخرت خود زیان رسانیده است و هرکس مهر آخرت داشت، به دنیایش زیان رسانیده است).

صبر کن، هرگاه صبرت کامل شد، به مقام رضا میرسی، و پس از کمال رضا به مرحله فنا خواهی رسید، که در اینچنین حالی، دوریت به قرب، شرکت به توحید تبدیل می گردد، دیگر منشاء نفع و ضرر را غیر از خدا نمیدانی، تمام جهات بجز جهت حق در نظرت محو می شود، این حالت راهر کسی نمی شناسد، بلکه در بین هزاران نفر، یکی قادر بشناخت اینحالت است.

(یا غلام) سعی کن که در این حالت در پیشگاه حق بمیری، کوشش کن تا پیش از خروج روح از بدنت، نفست را بتمامی در اختیار گیری، و بدان که در اختیار گرفتن نفس، با مخالفت آن ممکن است، بزودی نتیجه صبر و شکیبائی را خواهی دید، صبر تمام می شود، اما جزای آن جاودانی است. من صبر کردم و عاقبت پسندیده و نیکوی آنرا دیدم، مرا میراند و دیگر بار زنده گردانید، پنهان شدم، بازم یافت، بانفس مبارزه کردم، از خود سلب اراده و اختیار کردم، تا بدین مقام رسیدم، اکنون قدر، راهنمایم می باشد، بخشش یار و یاورم، و غیرت نگهدارم، و اراده فرمانبردارم است، و خدای عزوجل مرا رفعت بخشیده است.

وای بر تو! از من میگریزی، در حالیکه من نگهبان توأم، این نگهبان را از دست مده، جای تو نزد من است، و گرنه هلاک خواهی شد. ای نادان ابتدا قصد دیدار مرا نما، آنگاه به حج خانه خدا برو، من باب کعبه ام، بیا تا بیاموزمت که چگونه حج بجای آوری، ترا دستور از جانب خدای کعبه دهم، و این رازمانی در خواهی یافت که غبارها از قلبت زدوده شود. مرا مطیع باش، زیرا خداوند نیروی بمن عطا نموده است که بتوانم ترا هدایت کنم و راهنما باشم.

قوم اولیاء الله شمارا بدانچه که امر شده اید، امر می کنند، و از آنچه منع گردیده اید، منع می کنند. به نصایح ایشان گردن نهید، زیرا آنان امانت خدای را به شما می رسانند. در محدوده دار حکمت عمل نمائید، تا به دار قدرت برسید، دار حکمت دنیاست، و دار قدرت آخرت. حکمت نیازمند وسیله و سبب است، اما قدرت به چیزی نیاز ندارد. باید دار حکمت را از دار قدرت تمیز دهید. قدرت همانا فعل خداوند است، که نیازمند وسیله نیست. در قیامت به امر خداوند تمام اعضا و جوارح

بنطق درمی آیند، وبراعمال بدشما گواهی می دهند. روزقیامت پرده ها بالا می رود، وآنچه راکه نهفته بودید، هویدا و آشکار می گردد، وکسی بعذاب گرفتار نمی شود، الابعد ازرسیدگی به اعمالش، وآنچه که درنامه اوثبت است. پس نبائید اکنون که فرصت هست، سیئات راباتوبه پاک کنید، ودرقبال اعمال نیک شکرخدای رابجا آورید.

(یاغلام) توبه دست من توبه کرده ای(یعنی دراثراشادات من)، وبامن همنشین، حال اگر آنچه راکه بتو می گویم قبول نکنی، این توبه چه سودی بتو میرساند؟ توبواقع - بصورت فاقد معنی رغبت پیدا کرده ای. هرکس دوستدار صحبت من است، باید گفتارم رابپذیرد، وآنرا خالصانه بکاربرد، هرگونه من عمل می کنم، اوهم عمل کند، وگرنه به نزد من نیاید، چون زیانش ازسودش بیشتر است.

من بسان- سفره ای گسترده وبابی گشوده هستم، ولی احدی ازآن استفاده نمی کند، وبدان وارد نمی شود. باشما چه کنم؟ چه بسیار گفتم وقبول نکردید ونشنیدید. من خواهان خیرشمایم نه منفعت خویش. از شما هراسی ندارم، وهیچ انتظار وتوقعی هم ندارم. آبادانی وویرانی برایم فرقی ندارد. وخود میان زنده ومرده، توانگر ودرویش، پادشاه ورعیت تفاوتی قائل نیستم. زیرامیدانم که سررشته اموردر دست دیگری است. از زمانیکه حب دنیا راازدل بدرکردم، قلبم بصلاح آمد. اما قلب توکه پرازحب دنیاست، چگونه بصلاح می آید؟ آیا قول رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) رانشنیده ای که فرموده است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»-(دنیادوستی منشاء تمام گناهان است). تازمانیکه دربدایت کاری حب دنیا رأس خطاهایت می باشد، وقتی که به انتها رسیدی وبه مقام قرب حق نایل آمدی، آنگاه قسمت های مقسوم تو ازدنیا، بتو متمایل وراغب می شوند، شتابان بسویت می آیند، تاتو ازسهم وبهره خود استفاده کنی، زیرا درعلم ازلی خدابرایت مقرر گردیده است. پس بدان قناعت کن وبغیر آن توجهی منما. قلبت رادرپیشگاه حق ثابت بدار، که دگرگونیهای مثبت دنیا رابمانند مراتب جنت بپذیری.هرچه به اراده حق بتو میرسد، آنرا دوست بدار، زیرا توخود رابه اراده واختیار اوواگذار کرده ای، باقضا وقدر اوسازگاری وآنچه راغیراوست ازل بیرون کرده ای- پس بهره های ازلی نیز نصیبت گردیده اند.

منافق ریاکارخودخواه، بقیام شب وروزه روزمبادرت می کند، لباس خشن می پوشد، خو راک ناگوار می خورد، امادرظلمت وتاریک باطن به سر می برد، وقلبا قدمی بسوی خداییش نمی رود«عاملة ناصبة» درباره اوصادق است، یعنی عمل می کند، تحمل رنج می کند، ولی سودی ازاعمالش متوجه اونمی شود. باطن آنان نزد صدیقین واولیاء الله آشکاراست، امروز خواص آنان را می شناسند، فردامه مردم، خواص هنگامی آنان رامی بینند، قلبا ازایشان متنفرند، ولی ازافشای راز آنان خودداری می کنند.

پس ای منافق، قوم رابه نفاق آزرده مکن ومزاحم آنان مباش. تازمانیکه زنار کفر رابازنکنی وبه اسلام نگروی وبحقیقت توبه نکنی، وتمام حب دنیا وهوای نفس وجلب نفع ودفع ضرر راازدل نرانی، وتاوقتیکه دردین دارای اطلاع وآگاهی نشوی، البته آگاهی قلبی نه زبانی، زیرا فقه قلب بخدایت نزدیک میکند، وفقه زبانی ترابخلق وسلاطین نزدیک می گرداند، وازصدر قرب حق دور میدارد، بجائی نخواهی رسید.

وای برتو! توزمان عمرخودرا درطلب علم بی عمل تباه کردی، وبرجهل وهوای نفس ثابتی، وبه دشمنان خدا پیوستی، بدان که خدا ازتو بی نیازاست وازهرکس دیگری که به آنها اعتماد کرده ای. آیا نمیدانی که توبنده ای هستی که اختیار دردست خداست؟ پس اگر طالب رستگاری هستی بیا وتوبه کن، زمام قلبت را بدست حق واگذار نما براوتوکل کن، واورا درظاهر وباطن خدمتگزار باش، خداوند رادرکارهایت متهم مکن، خدابه مصالح تو آگاهتر است، پس برتولازم است که همواره درمقابل خواست خداسکوت نمائی، باچشم بسته وزبان گنگ درپیشگاه اوتسلیم گردی، وبراین حال مداومت داشته باشی تازمانیکه اذن نطق وگویائی بیابی، بدستور خدابسخن آئی، بگونه ای که گفتارت داروی بیماریهای قلب و شفای باطنت شود.

بارخدايا، دلهاى مارابه نور معرفت خود منور گردان، ومارابه سوى خود راهنمائى نما، وياطنمان رابخود مقرب گردان.

و«أتنا فى الدنيا حسنه وفى الاخره حسنه وقنا عذاب النار» آمين.